

آداب نیکان

درس هفتم

... وژه‌ها را پیش‌تر بشناسیم! ...

آداب نیکان

تسلط ❖ غلبه؛ چیرگی (هم‌خانواده: مسلط؛ سلطان؛ سلطه)
تار ❖ رشته‌های عمودی پارچه یا فرش که هنگام بافتن آن‌ها، قابل مشاهده‌اند.
بود ❖ رشته‌های افقی پارچه یا فرش
تار و بود چیزی ❖ همه بخش‌های چیزی؛ همه‌جای یک چیز
هنجار ❖ قاعده؛ قانون؛ آداب
باور ❖ اعتقاد
داد و ستد ❖ معامله؛ خرید و فروش
حریم ❖ چارچوب؛ حصار (هم‌خانواده: حرم؛ حرمت؛ تحریم؛ محروم)
پاس‌داشتن ❖ نگهبانی کردن؛ حفظ کردن؛ احترام گذاشتن
حصار ❖ حریم؛ دیوار؛ چارچوب
هویت ❖ کیستی؛ چیستی
رهاورد ❖ نتیجه؛ پیامد؛ دستاورد
مظاهر ❖ (مفرد: مظهر) جلوه‌ها؛ نشانه‌ها (هم‌خانواده: ظاهر؛ ظهور؛ تظاهر)
آفرینش‌گری ❖ خلاقیت؛ نوآوری
کمال ❖ کامل شدن؛ رشد کردن؛ پیشرفت (هم‌خانواده: کامل؛ تکامل؛ تکمیل)
متعالی ❖ بلندمرتبه؛ والا (هم‌خانواده: تعالی؛ متعال؛ عالی)
بی‌هیا هو ❖ بی‌سروصدا؛ بدون شلوغی؛ بدون غوغا
غوغا ❖ سروصدا؛ هیا هو؛ شلوغی؛ ولوله؛ آشوب
فضایل ❖ (مفرد: فضیلت) برتری‌های اخلاقی؛ نیکویی‌ها (هم‌خانواده: فضل؛ فاضل)

حکایت: خودشناسی

جولاه ❖ بافنده (جمع: جولاهگان)
بامداد ❖ صبح زود؛ پگاه
از پس ❖ به دنبال؛ پشت‌سر
دولت ❖ سعادت؛ خوشبختی؛ اقبال
انگشتری ❖ انگشتر

مرید ❖ شاگرد؛ آن‌که به کسی ارادت دارد. (هم‌خانواده: مراد؛ اراده؛ ارادت)
از پی ❖ به دنبال؛ پشت‌سر
ارشاد ❖ راهنمایی؛ هدایت (هم‌خانواده: رشد؛ مرشد؛ رشید؛ رشادت)
باری ❖ به هر حال (این واژه با توجه به عبارتی که در آن به کار می‌رود، می‌تواند معنای گوناگونی داشته‌باشد).
طعام ❖ غذا؛ خوراک (هم‌خانواده: اطعام؛ طعمه؛ طعم) (جمع شکسته: أطعمه)
مرشد ❖ راهنما؛ هدایت‌کننده؛ استاد
خلق ❖ [در این‌جا:] مردم؛ انسان‌ها
روان‌شدن ❖ راه‌افتادن؛ حرکت کردن
به قدر ❖ به اندازه؛ به مقدار لازم
مستمع ❖ شنونده (هم‌خانواده: سمع؛ سمیع؛ استماع)
از بهر ❖ به خاطر؛ برای؛ برای رضای
دعوی ❖ ادعا (هم‌خانواده: دعوا؛ ادعا؛ مدعی؛ دعوت) (جمع شکسته: دعاوی)
معترف ❖ اعتراف‌کننده؛ اقرارکننده (هم‌خانواده: اعتراف؛ متعارف)
فرع ❖ حاشیه (جمع شکسته: فروع)
رضا ❖ رضایت؛ راضی‌بودن؛ خشنودی (هم‌خانواده: رضایت؛ راضی؛ مرضیه)
بغض ❖ کینه؛ دشمنی
حسد ❖ حسادت (هم‌خانواده: حسادت؛ حسود)
زیست ❖ زیستن؛ زندگی
چاپار ❖ پیک؛ نامه‌رسان؛ قاصد
اسطرلاب ❖ وسیله‌ای که در قدیم، در علم نجوم از آن برای رسم محلّ ستارگان یا اندازه‌گیری فاصله‌های آن‌ها استفاده می‌شد.
عصر ❖ دوره؛ روزگار
چیرگی ❖ تسلط؛ سیطره؛ غلبه

... عبارت‌ها و جمله‌ها و بیت‌های دشوار ...

آداب نیکان

او را طلب کنید که مرا با او کار است.

او را پیدا کنید، زیرا من با او کار دارم.

به قدر می‌گویم و بی‌موقع و بی‌حساب نمی‌گویم. به قدر فهم مستمعان می‌گویم.

به اندازه [سخن] می‌گویم و نابجا و نسنجیده [سخن] نمی‌گویم و به اندازه فهم و درک شنوندگان می‌گویم.

چه جای طعام خوردن که سخن گفتن هم نمی‌دانی!

تو سخن گفتن را هم بلد نیستی، چه رسد به غذا خوردن!

من نمی‌دانم، تو از بهر خدا، مرا بیاموز.

من نمی‌دانم، [ولی] تو برای رضای خداوند، به من بیاموز.

تو دعوی دانایی می‌کردی، اکنون که به نادانی خود معترف شدی، تو را بیاموزم.

تو ادعای دانایی می‌کردی؛ حال که به نادانیات اعتراف کردی و آن را پذیرفتی، به تو می‌آموزم.

اصل در خوردن، آن است که لقمه حلال باید و اگر حرام را صد از این‌گونه آداب به جا بیاوری فایده ندارد و سبب تاریکی دل شود.

اصل در خوردن، این است که لقمه غذا، حلال باشد و اگر برای [لقمه] حرام صد مورد از این آداب را هم رعایت کنی، سودی ندارد و باعث تیرگی دل [و دوری از خداوند] می‌شود.

روزگار تسلط دستاوردهای علمی و فناوری بر تار و پود زندگی بشر است.

[اکنون] دوره غلبه محصولات علم و فناوری بر همه بخش‌های زندگی انسان است.

حکایت: خودشناسی

هر روز بامداد برخاستی و کلید برداشتی و در خانه باز کردی و تنها در آن‌جا شدی و ساعتی در آن‌جا بودی.

هر روز، صبح زود بلند می‌شود و کلید برمی‌داشت و در خانه‌ای را باز می‌کرد و به تنهایی وارد آن [خانه] می‌شد و مدتی در آن‌جا می‌ماند.

امیر را خاطر به آن شد تا در آن خانه چیست؟

فکر امیر به این موضوع مشغول شد که در آن خانه چه چیزی هست؟

روزی ناگاه از پس وزیر بدان خانه در شد.

روزی، ناگهان به دنبال وزیر وارد آن خانه شد.

گودالی دید در آن خانه چنان که جولاهگان را باشد.

در آن خانه گودالی دید، مثل گودالی که در خانه بافندگان هست.

یا امیر، این همه دولت که مرا هست، همه از امیر است.

ای شاه، همه این خوشبختی که من دارم، [در حقیقت] از سوی شاه [به من] رسیده است.

... دانش‌های زبانی و ادبی ...

○ «گروه اسمی» چیست و چه ساختاری دارد؟

«گروه‌های اسمی» نقش‌های دستوری گوناگونی را در جمله به عهده می‌گیرند؛ یعنی نقش‌های «نهاد»، «مفعول»، «متمم» و گاهی هم «مُسند». همان‌طور که از اسم «گروه اسمی» هم معلوم است، این گروه می‌تواند یک واژه یا بیش از یک واژه باشد. هر گروه اسمی از دو بخش اصلی درست می‌شود: «هسته» (که قسمت اصلی گروه اسمی است) و «وابسته‌ها» (که قسمت فرعی گروه هستند). هنگامی که داریم گروه‌های اسمی را بررسی می‌کنیم، اولین و شاید مهم‌ترین کار این است که بفهمیم «هسته» گروه اسمی‌مان، کدام کلمه است. «هسته گروه اسمی»، مهم‌ترین واژه گروه است. در واقع، کار «وابسته‌ها» هم این است که توضیحات بیشتری درباره هسته گروه بدهند. وابسته‌های اسم را به دو دسته تقسیم می‌کنند: وابسته‌های پیشین و وابسته‌های پسین. «وابسته‌های پیشین» قبل از هسته گروه اسمی می‌آیند و «وابسته‌های پسین» بعد از آن.

○ در یک گروه اسمی، چگونه «هسته» را پیدا کنیم؟

همان‌طور که می‌دانی، «هسته» مهم‌ترین بخش یک گروه اسمی است. برای پیدا کردن هسته گروه اسمی، باید یکی از سه راه زیر را انتخاب کنیم:

- ۱- اگر گروه اسمی تنها یک واژه باشد: در این صورت، همان یک واژه هسته گروه اسمی است.
- ۲- اگر در گروه اسمی کسره اضافه (ـِ) به کار رفته باشد: در این حالت، باید اولین واژه کسره‌دار (ـِ) را پیدا کنیم، یعنی اولین واژه‌ای که بعد از آن کسره اضافه آمده است؛ این واژه هسته گروه اسمی است. مثلاً در گروه اسمی «همین دوتا کتاب زیباي قرمز»، اولین واژه‌ای که در پایان آن کسره آمده «کتاب» است؛ بنابراین «کتاب» هسته این گروه اسمی است.
- ۳- اگر در گروه اسمی کسره اضافه (ـِ) وجود نداشته باشد: در این جا، آخرین واژه گروه اسمی، هسته است. برای نمونه، در گروه اسمی «کدام چند جفت کفش؟» که کسره اضافه وجود ندارد، آخرین واژه، یعنی «کفش» هسته گروه اسمی است.

... املا ...

○ نشانه «مد» چه تغییراتی می‌تواند در معنا ایجاد کند؟

«مد» هم یکی از نشانه‌های خط فارسی است و می‌تواند در معنا یا تلفظ برخی از واژه‌ها اثر داشته باشد. در بعضی واژه‌ها، گذاشتن یا نگذاشتن نشانه «مد»، تفاوت خاصی در تلفظ یا معنا ایجاد نمی‌کند؛ مثل «الان» و «الآن». در برخی از واژه‌ها هم گذاشتن یا نگذاشتن «مد»، معنای واژه را تغییر می‌دهد؛ مانند «پیشامد» (= اتفاق) و «پیش‌آمد» (= اتفاق افتاد). در گروهی از واژه‌ها هم گذاشتن یا نگذاشتن «مد» باعث غلط‌شدن معنا یا املای واژه می‌شود؛ مثلاً «دل‌آرام»، که نوشتن آن به صورت «دل آرام» نادرست است.

..... تاریخ ادبیات

اطلاعات تاریخ ادبیاتی درس ششم کتاب فارسی را در جدول زیر برای جمع‌وجور کرده‌ایم.

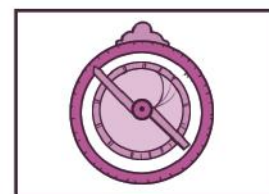
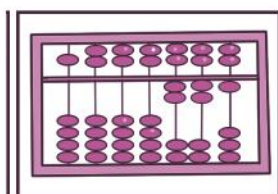
نام کتاب	نام نویسنده یا شاعر	بیشتر بدان: فرق داشته‌باش!
-----	شیخ جنید بغدادی	در سده سوم هجری زندگی می‌کرد و از عارفان و صوفیان بنام روزگار خود بود. او در نهاوند ایران به دنیا آمد و در بغداد درگذشت.
جامع‌التَّمثیل	محمّد حبّله‌رودی	محمّد حبّله‌رودی در قرن یازدهم زندگی می‌کرد و کتاب «جامع‌التَّمثیل» را در هندوستان تألیف کرد. این کتاب مجموعه‌ای است از کنایه‌ها و ضرب‌المثل‌های فارسی که لابلای آن‌ها، حکایت‌هایی آورده‌است.
اسرار التّوحید فی مقامات شیخ ابوسعید	محمّدبن منوّر	محمّدبن منوّر در سده ششم هجری کتاب «اسرار التّوحید» را نوشت. او از نوادگان ابوسعید ابی‌الخیر بود و در این کتاب، زندگی‌نامه جدّ خود را به نگارش درآورد.

..... حال‌خودت را محک بزن!

معناومفهوم



۱- زیر هر تصویر، واژه مربوط به آن را بنویس. (یک تصویر اضافه است!)
چاپار - چرتکه - اسطرلاب



۲- با توجه به جمله، معنای واژه موردنظر را تشخیص بده و در خانه مخصوصش بنویس.

واژه	کاربرد واژه در متن	معنای واژه در متن
باری	شکر نعمت <u>باری</u> تعالی، هم‌چنان بر من بیشتر است.	
	تو با این کار، <u>باری</u> بر دوش من گذاشته‌ای.	
	<u>باری</u> ، طعام خوردن خود را می‌دانی؟	
	<u>باری</u> از برابر منزل او می‌گذشتم که این صحنه را دیدم.	
	بالآخره توانستم این <u>باری</u> را بخرم؛ ماشین خوبی است.	
روان	شیخ در پی او <u>روان</u> شد و گفت: «مرا با او کار است.»	
	با دیدن این منظره، روح و <u>روان</u> انسان تازه می‌شود.	
	در آن جا آب‌های <u>روان</u> ، بسیار است.	

خبرها!

فارسی ۸ ام

۳- در هر جمله، برای بخشی که زیر آن خط کشیده شده است، یک واژه «هم‌معنا» در جای خالی بنویس.

۱. دستاوردهای علم و فناوری بر تار و پود زندگی بشر تسلط پیدا کرده است.

۲. بشر به کمک عقل و استعداد خدادادی خویش تلاش می‌کند تا بر آسایش زندگی بیفزاید.

۳. ممکن است منظره‌ای سرسبز و روح‌انگیز از جلوه جمال پروردگار را نشان دهد.

۴. علم و فن باید انسان را در مسیر کمال و رسیدن به اخلاق متعالی، کمک کند.

۴- در هر کدام از جمله‌های زیر، دو واژه «مترادف» وجود دارد. این جفت‌واژه‌ها را پیدا کن و در جاهای خالی بنویس.

در آداب خواب، اصل این است که در دل تو بغض و کینه و حسد مسلمانان نباشد.

اکنون عصر چیرگی ماشین و رایانه و تسلط دستاوردهای علمی بر زندگی بشری است.

امروزه دشمنان این ملت، جنگ نرم را بدون هیاهو آغاز کرده‌اند تا غوغا بیافرینند.

خانواده هم برای خود، آداب و هنجار و حریم و قانونی دارد.

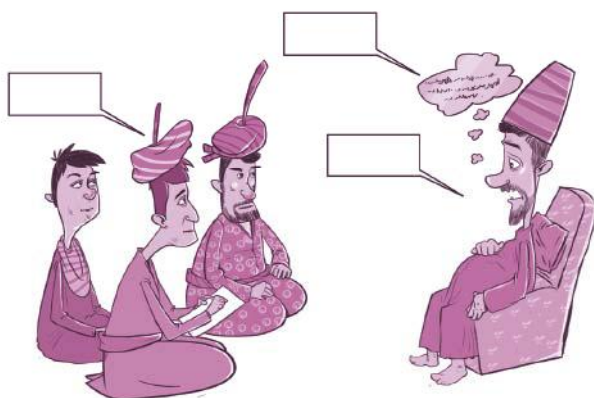
😊

😊

😊

😊

۵- برای هر بخش از تصویر زیر، واژه مناسب را انتخاب کن و بنویس. (یک واژه اضافه است!)



مرید

ارشاد

خلق

مرشد

۶- با هوش و حواس جمع، معنای جمله‌های زیر را با واژه‌ها و عبارت‌های مناسب از بین گزینه‌های داده شده، کامل کن.

۱. گفت: «از بهر خدا، مرا بیاموز.» بهلول گفت: «تو دعوی دانایی می‌کردی، اکنون که به نادانی خود معترف شدی، تو را بیاموزم.»

گفت: «برای رضای خدا، (به من یار بره / من به تو یار می‌دهم).» بهلول گفت: «تو (ارْعا می‌کردی / خیال می‌کردی) که

دانا هستی؛ اکنون که به نادانی خودت (مقرر / اقرار) کردی، (به تو / برای تو) فواهم آموخت.

۲. مریدان از پی او می‌رفتند، شیخ گفت: «او را طلب کنید که مرا با او کار است.»

مریدان (برای فاطر / به دنبال) او می‌رفتند؛ شیخ گفت: «او را (پیدا کنید / دعوت کنید)، چون من با او

(کاری دارم / وعده‌ای دارم).»

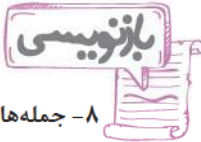
۳. اهل هر خانواده حرمت یکدیگر و اجتماع را پاس می‌دارند. هر کس به آسانی نمی‌تواند حصار خانواده را فرو بریزد.

افراد هر خانواده، (اعتزام / اعتبار) یکدیگر و اجتماع را (ملاحظه می‌کنند / فقط می‌کنند). هر کسی نمی‌تواند به سادگی

..... (پارچوب / حریم) خانواده را بشکند.

۷- در هر بیت، برای واژه نوشته شده یک «مترادف» وجود دارد؛ آن را پیدا کن و در جای خالی بنویس.

تحصیل ^۱ عشق و رندی ^۲ ، آسان نمود اوّل	آخر بسوخت جانم در کسب این فضایل	برتری‌های اخلاقی	
بدان‌جای ^۳ ، سیمرغ را لانه بود	که آن خانه، از خلق بیگانه بود	انسان‌ها	



۸- جمله‌های زیر را به نثر ساده و روان امروزی بازگردانی کن و بنویس.

۱. اصل در خوردن، آن است که لقمه حلال باید و اگر حرام را صد از این گونه آداب به جا بیاوری، فایده ندارد و سبب تاریکی دل شود.

۲. به قدر می‌گویم و بی‌موقع و بی‌حساب نمی‌گویم؛ به قدر فهم مستمعان می‌گویم.

۳. امیر را خاطر به آن شد تا در آن خانه چیست.



۹- حکایت «خودشناسی» را در پایان درس ششم کتاب فارسی‌ات خوانده‌ای. داستان این حکایت را به زبان ساده و روان در پنج خط بازنویسی کن. (تلاش کن به جای واژه‌های کهن، از واژه‌های امروزی تر استفاده کنی.)



۱۰- با دقت و حواس جمع، در هر دسته از واژه‌های زیر بگرد و واژه‌ای را که با بقیه «هم‌خانواده» نیست، پیدا کن و دور آن خط بکش.

۱. ارشاد - مرشد - رشید - شدت - رشد

۲. معترف - تعریف - فروع - اعتراف - معرفی

۳. مظاهر - منظره - تظاهر - ظهور - مظهر

۱۱- پرسش‌های جدول را در زیر می‌بینی؛ جدول را تکمیل کن! (خانه‌های رنگی، ابتدا و انتهای واژه مربوط به هر شماره را مشخص می‌کنند.)

۱. بی‌خبری از چیزی، هم‌خانواده «غافل»

۲. آشوب و سروصدا

۳. وسیله‌ای که قدیم‌ها در نجوم به کار می‌رفته.

۴. کینه، ناراحتی

۵. کسی که قوی نیست.

۶. جمع «فضیلت»

۷. اگر حرام نباشد، است.

۸. نرده یا دیواره‌ای که دور جایی کشیده می‌شود.

۹. روزگار، دوره، زمانه

۱۰. «اصل» نیست!

۱- تحصیل = به دست آوردن

۲- رندی = پاکباز بودن، گرفتار مسائل مادی و ظاهری نبودن

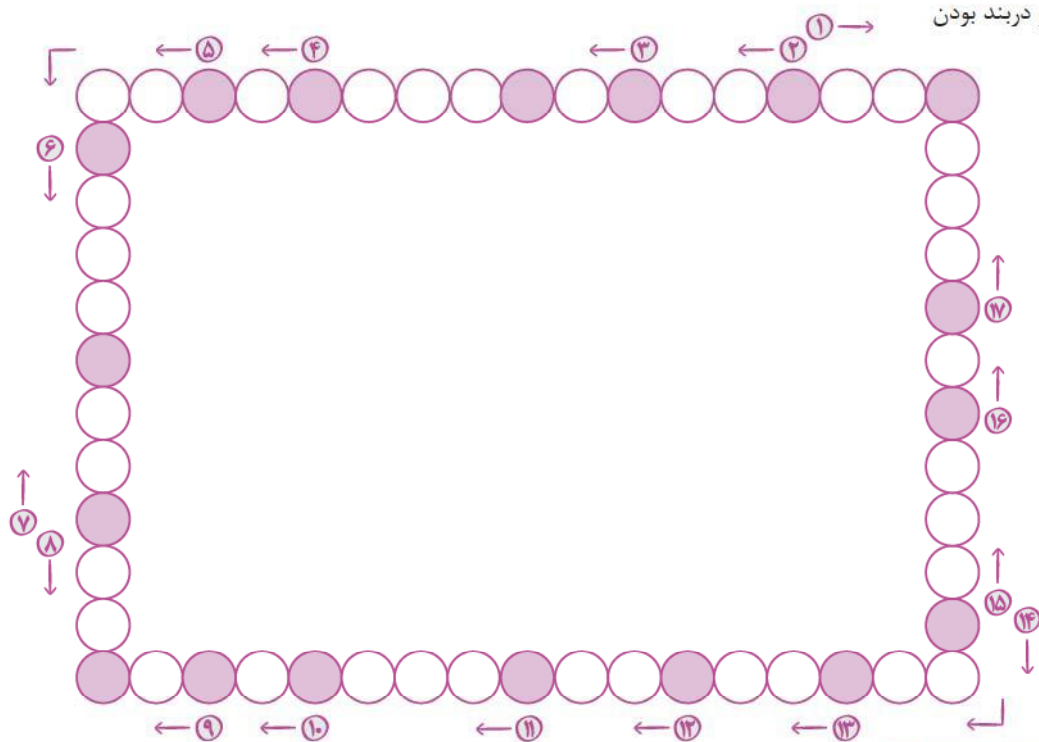
۳- بدان‌جای = در آن جا

۱۲. هم خانوادۀ «طعمه»

۱۴. گویی هر یک از امکانات مدرن، ابزاری شده‌اند تا ما را از اصلی

۱۶. یکی از نام‌های بسیار معروف امام هشتم (ع)

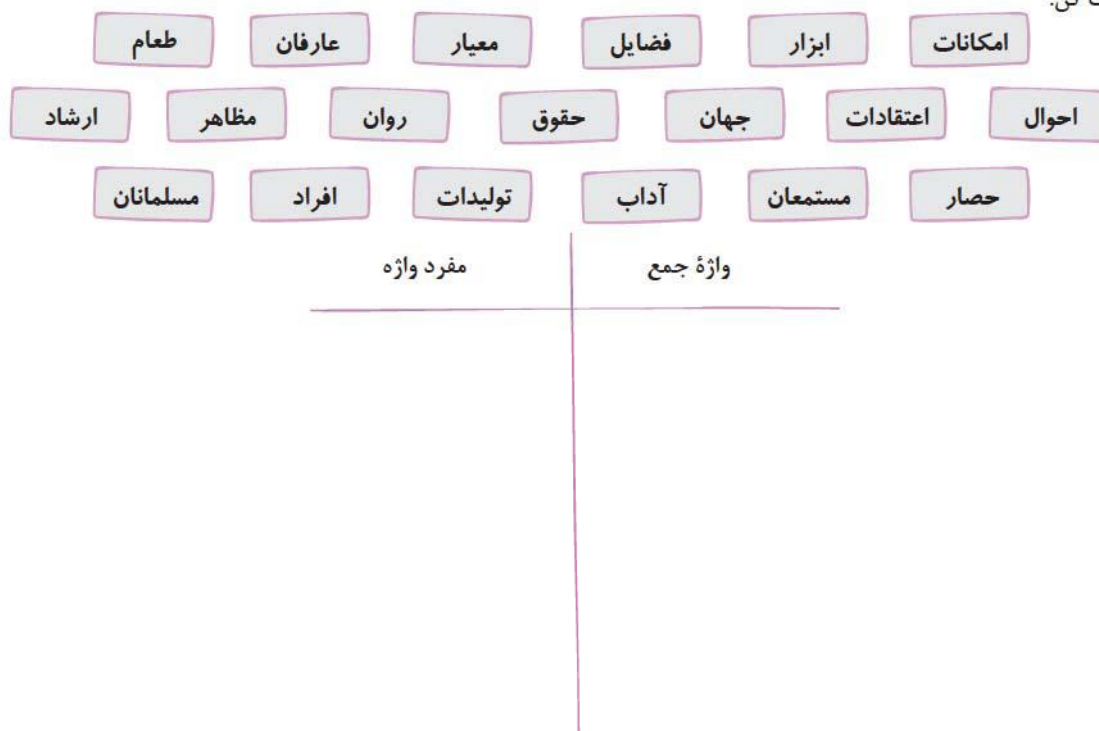
۱۷. زندانی و دربند بودن



جمع ومفرد



۱۲- از بین واژه‌های زیر، «جمع‌های شکسته» (= مکسر) را پیدا کن و در جدول زیر بنویس. بعد هم مفرد هر کدام از آن‌ها را روبه‌روی آن یادداشت کن.





۱۳- در هر کدام از جمله‌های زیر، برای واژه مشخص‌شده، حداقل یک وابسته پیشین و یک وابسته پسین بنویس. (اگر بیشتر هم بنویسی که چه بهتر!)

۱. امروز برای دوستم گل خریدم.
۲. پسر بچه ، زنگ خانه ما را زد و فرار کرد!
۳. فردا از مدرسه به کتابخانه خواهم رفت.
۴. علی در مهمانی دیشب، کت و شلوار را پوشیده بود.
- ۱۴- با هر کدام از واژه‌های داده‌شده، یک گروه اسمی بساز و این گروه را در جمله‌ای به کار ببر.

۱. کلاس:
۲. دوست:
۳. آسمان:

۱۵- در هر کدام از جمله‌ها، «نقش دستوری» و «هسته» گروه اسمی مشخص‌شده را در جای خالی بنویس.

۱. جعبه‌های خالی مهمات و پوکه‌های بَرّاق همه جا پراکنده بودند.
نقش دستوری: نهاد ☐ مفعول ☐ متمم ☐ هسته گروه اسمی:
۲. انگار صد آینه شکسته را کنار هم چیده بودند.
نقش دستوری: نهاد ☐ مفعول ☐ متمم ☐ هسته گروه اسمی:
۳. عکس آسمان، بر سطح لرزان گودال‌های آب، تماشایی بود.
نقش دستوری: نهاد ☐ مفعول ☐ متمم ☐ هسته گروه اسمی:
۴. جلوی سنگر که رسیدند، چند جوان بسیجی عید را به آن‌ها تبریک گفتند.
نقش دستوری: نهاد ☐ مفعول ☐ متمم ☐ هسته گروه اسمی:
۵. آقا مهدی دو دست را در میان نامه‌ها برد.
نقش دستوری: نهاد ☐ مفعول ☐ متمم ☐ هسته گروه اسمی:

چهارگزینه‌ای‌ها

- ۱- از میان واژه‌های زیر، معنای چند واژه نادرست نوشته شده است؟
«بغض: کینه / طعام: غذا دادن / چاپار: نامه‌رسان / هنجار: قاعده / چیرگی: تسلط / حصار: قلعه / غوغا: هیاهو»
 ۱. صفر
 ۲. یک
 ۳. دو
 ۴. سه
- ۲- کدام واژه جمع است؟
 ۱. ارشاد
 ۲. آداب
 ۳. طعام
 ۴. ابزار
- ۳- مفرد کدام واژه نادرست نوشته شده است؟
 ۱. فضایل: فضل
 ۲. مظاهر: مظهر
 ۳. حقوق: حق
 ۴. احوال: حال

خبرها

فارسی
۸
آم

۴- در کدام گزینه املاي همه واژه‌ها درست است؟

۱. لقمه کوچک / فهم مستمعان / احوال بحلول
۲. چرتکه و اسطرلاب / غوغا و حياحو / فضایل انسانی
۳. مظاهر آفرینش / حریم و هنجار / بغض و کینه
۴. قرن سوم حجری / دعوی دانایی / اصل و فرع
- ۵- با توجه به معنی، املاي کدام واژه نادرست است؟

۱. پیش آمد: رویداد
۲. همایش: جلسه
۳. مال اندیش: دوراندیش
۴. الآن: هم اکنون

۶- صاحب کدام اثر نادرست نوشته شده است؟

۱. اسرارالتوحید: محمدبن منور
۲. مخزن الاسرار: نظامی گنجوی
۳. جامع التمثیل: رشیدالدین فضل الله
۴. مثنوی معنوی: جلال الدین مولوی

۷- در کدام گزینه «صفت بیانی» دیده نمی شود؟

۱. کتاب بزرگ من
۲. خانواده مهربان حسن
۳. آپارتمان خیابان شریعتی
۴. برگ سبز درختان

۸- در کدام جمله وابسته گروه اسمی از نوع «صفت بیانی» به کار رفته است؟

۱. اکنون عصر تسلط ماشین است و دستاوردهای علمی بر تار و پود زندگی بشر چیره شده است.
۲. اصل این است که در دل تو بغض و کینه و حسد مسلمانان نباشد و در ذکر حق باشی تا به خواب روی.
۳. امروزه دشمنان این ملت، از راه این ابزارها، جنگ را بی‌هیاهو آغاز کرده‌اند تا غوغایی بیافرینند.
۴. خانواده بخشی از اجتماع است و هر کس به آسانی نمی‌تواند حصار آن را فرو بریزد و وارد فضای آن بشود.

۹- کدام یک از واژه‌های مشخص شده، هسته گروه اسمی نیست؟

«علم و فن و همه آن‌چه از رهاورد دانش بشری پدید می‌آیند، زمانی مفیدند که در راه خدمت به پیشرفت خلق خدا به کار گرفته شوند و انسان را در مسیر کمال و رسیدن به اخلاق متعالی کمک کنند.»

۱. رهاورد
۲. خدمت
۳. انسان
۴. اخلاق

۱۰- در کدام گزینه «را» نشانه مفعول است؟

۱. مریدان گفتند: او مرد دیوانه‌ای است و تو را با او چه کار؟
۲. اکنون که به نادانی خود معترف شدی، تو را بیاموزم.
۳. گودالی دید در آن خانه، چنان که جولاهگان را باشد.
۴. زندگی گذشته خود را به یاد می‌آورم، تا خود به غلط نیفتم.